

فصلنامه تاریخ اسلام

سال دوم، شماره یکم، بهار ۱۳۸۰، ص ۲۶-۳

تأملی در

تاریخ وفات پیامبر(ص)

▣ جلیل تاری *

تعیین تاریخ وفات پیامبر(ص) یک بحث علمی-تاریخی محض نیست، بلکه دارای ثمراتی است. این مقاله، بدون تکیه بر یک روایت خاص و با بررسی شش واقعه که در تعیین وفات پیامبر(ص) نقش دارند و با کنار هم قرار دادن آن وقایع، اقوال معروف شیعه و سنی را مورد بررسی قرار داده است و با رسم جداول، به طور دقیق اثبات نموده است که قول معروف و مشهور شیعه مبنی بر قرار دادن تاریخ وفات پیامبر(ص) در ۲۸ صفر و قول معروف و مشهور اهل سنت که آن را ۱۲ ربیع الاول دانسته‌اند، هر دو، باطل بوده و تاریخ وفات پیامبر(ص)، همان‌گونه که در روایت ابومخنف ذکر گردیده است، دوم ربیع الاول است.

واژه‌های کلیدی: وفات پیامبر(ص)، غدیر خم، اهل سنت، شیعه، ربیع الاول.

مقدمه:

بحث از تاریخ وفات پیامبر(ص)، تنها یک بحث علمی - تاریخی محض نیست، بلکه دارای ثمرات مختلفی است؛ از جمله این که جمیع ملل دنیا، ایام تولد یا وفات بزرگان دین خود را ارج می‌نهند، و مسلمانان نیز، همه ساله در ایام تولد پیامبر(ص) به شادی، و به خصوص شیعیان در ایام وفات آن حضرت به سوگواری می‌پردازند؛ پس دانستن تاریخ وفات پیامبر(ص) می‌تواند از این جهت مهم باشد، زیرا از جهات معنوی، پیروان پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، خود را در غم و شادی آنان شریک می‌دانند، پس دانستن چنین ایامی، از جهت پیوند قلبی مؤثر است.

از جهت دیگر، مشخص شدن تاریخ وفات پیامبر(ص)، دارای ثمرات فقهی نیز می‌باشد، زیرا چنان که به زودی بحث خواهد شد، این واقعه، با وقایع دیگر در حج، پیوند نزدیک دارد، مثلاً اگر ثابت شود که عرفه حجه‌الوداع، در روز جمعه بوده، و چون پیامبر(ص) در عرفه نماز ظهر اقامه کردند، معلوم می‌شود که نماز جمعه، در موسم حج واجب نیست و اختصاص به زمان عادی دارد. هم چنین اگر ثابت شود که واقعه غدیر خم در روز جمعه بوده و از آن جا که در آن روز نماز ظهر خوانده شد، پس معلوم می‌شود که نماز جمعه، در سفر واجب نیست و اختصاص به حَضَر دارد.

گذشته از این موارد، مشخص شدن تاریخ دقیق وقایع می‌تواند نقش بسیار مهمی در صحت و سقم بسیاری از نقل‌های تاریخی داشته باشد. به عنوان مثال، اگر ادعا شود شخصی، کاری را در روز خاصی انجام داده است؛ حال اگر ثابت شود که آن شخص چند روز قبل از آن، در گذشته است، بطلان این ادعا نیز ثابت می‌شود و به طبع آن، فروعاتی نیز که بر آن ادعا مترتب بود، باطل می‌گردد. بنابراین بحث از تاریخ وفات پیامبر(ص) دارای فواید بسیاری است و فروعات متعددی نیز بر آن استوار است. اکنون پس از این مقدمه کوتاه، به بحث تاریخ وفات پیامبر اسلام(ص) می‌پردازیم.

فصل اول

نحوه تعیین تاریخ دقیق وفات پیامبر(ص)

در باره تاریخ وفات پیامبر(ص)، اقوال متعددی وجود دارد، ولی ما در این بخش، تنها به اقوال معروف و مشهور اشاره می‌کنیم. معروف‌ترین این اقوال عبارتند از: بیست و هشتم صفر، اول ربیع الاول، دوم ربیع الاول و دوازدهم ربیع الاول. در ابتدا روایت ابومخنف را در این باره ذکر می‌کنیم:

«قبض رسول الله (ص) نصف النهار يوم الاثنين لليلتين مضتا من شهر ربیع الاول، و یويع ابوبکر يوم الاثنين فی اليوم الذي قبض فيه النبي (ص).»^(۱)

«وفات رسول الله (ص) در وسط روز دوشنبه، که دو شب از ماه ربیع الاول گذشته بود، واقع گشت و در همان روز دوشنبه که پیامبر(ص) وفات یافت، با ابوبکر بیعت شد.»

در این جا، ما قصد داریم بدون در نظر گرفتن روایت ابومخنف، راهی برای به دست آوردن تاریخ دقیق و صحیح وفات پیامبر(ص) ارائه دهیم. به دست آوردن تاریخ دقیق وفات پیامبر(ص) گاهی از طریق روایاتی است که با صراحت، تاریخ وفات پیامبر(ص) را ذکر می‌کنند، مانند روایتی که از ابومخنف نقل شده است. ولی وجود روایاتی این چنین، که صریح و معتبر باشد، به اندازه‌ای نیست که برای همه اطمینان‌آور باشد، وگرنه این همه اختلاف در تاریخ وفات پیامبر(ص) مشاهده نمی‌شد. در نتیجه، برای حصول اطمینان بیشتر باید از روش در کنار هم قراردادن وقایع تاریخی دیگر و بررسی آن‌ها، برای رسیدن به قولی قطعی، کمک گرفت. اگر چه در چگونگی و تاریخ خود آن وقایع نیز اختلافاتی وجود دارد، ولی در مجموع می‌توان در این وقایع، به امور اجماعی یا مشهور نزد هر یک از اهل سنت و شیعه استناد کرد. این وقایع عبارتند از:

۱- زمان خارج شدن پیامبر(ص) از مدینه برای حجة الوداع؛

۲- روز عرفه؛

۳- زمان نزول آیه اکمال دین «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ...»^(۲) و فاصله آن تا وفات

پیامبر(ص)؛

۴- روز غدیر خم؛

۵- شروع و مدت بیماری پیامبر(ص)؛

۶- روز وفات پیامبر(ص).

در ابتدا به بررسی هر یک از وقایع می‌پردازیم و سپس با توجه به دیدگاه مشهور و معروف شیعه و اهل سنت درباره این وقایع، اقوال آنان را درباره تاریخ وفات پیامبر(ص) مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

بررسی شش واقعه که در تعیین وفات پیامبر(ص) نقش دارند.

واقعه اول: خارج شدن پیامبر(ص) برای حجة الوداع

در اواخر ذی قعدة سال دهم هجری، پیامبر(ص) به اتفاق جمع زیادی از مسلمانان، برای انجام مراسم حج از مدینه خارج شدند، که این حج به «حجة الوداع» یا «حجة الاسلام» مشهور گشت. اما در مورد این که به طور دقیق، پیامبر(ص) در چه روزی و چندم ماه ذی قعدة از مدینه خارج شدند، قول واحدی وجود ندارد. مشهورترین قول نزد اهل سنت آن است که پیامبر(ص) پنج روز به جای مانده از ذی قعدة (پنج روز قبل از آغاز ذی حجه) از مدینه خارج شدند، که این روز را نیز بیشتر مورخان، روز «شنبه» دانسته‌اند،^(۳) و برخی دیگر آن را روز «پنج‌شنبه» ذکر کرده‌اند.^(۴) و اقلی در این باره می‌گویند:

«پیامبر(ص) در روز شنبه، پنج روز به جای مانده از ذی قعدة، از مدینه خارج

شدند.»^(۵) و سپس می‌گوید: «وهذا الثبت عندنا.»^(۶)

از سوی شیعه نیز، شیخ مفید تاریخ خارج شدن پیامبر(ص) را پنج روز به جای

مانده از ذی قعدة ذکر کرده است،^(۷) که از این جهت موافق قول مشهور اهل سنت است، ولی هیچ اشاره‌ای به این که به طور دقیق در چه روزی از هفته بود، نکرده است. اما در صحیحہ معاویة بن عمار و حلیی از امام صادق(ع)، زمان خارج شدن پیامبر(ص) برای حجة الوداع، چهار روز مانده به ذی حجه بیان شده است، بدون این که روز آن مشخص شده باشد.^(۸)

قدر مسلم آن است که روز خارج شدن پیامبر(ص) از مدینه برای حجة الوداع، روز جمعه نبوده است؛ به دلیل این که روایاتی، از جمله روایت آنس، بیان کننده این مطلب می باشند که پیامبر(ص) نماز ظهر را در مدینه خواندند و سپس به قصد حج حرکت کردند؛^(۹) در حالی که اگر روز جمعه می بود، می بایست نماز جمعه خوانده می شد، نه نماز ظهر، بنابراین، آن روز یا شنبه بوده و یا پنجشنبه؛ چنان که در روایاتی به این دو روز اشاره شده است. از طرف دیگر، مشخص شدن روز عرفه نیز نقش مهمی در تعیین روز خارج شدن پیامبر(ص) دارد،^(۱۰) زیرا اگر روز عرفه، جمعه باشد، در نتیجه، اول ذی حجه پنجشنبه خواهد بود و پنج روز قبل از آن نیز روز شنبه است. پس بنابر نظریه مشهور اهل سنت، حتماً باید روز خارج شدن پیامبر(ص) را روز شنبه بدانیم، نه پنجشنبه؛ همان طور که ابن کثیر نیز به همین نتیجه رسیده است.^(۱۱)

اما از جانب شیعه چون به روز خاصی اشاره نشده است، باید با توجه به نظریه آنان در سایر وقایع، روزی را برای خارج شدن پیامبر(ص) در نظر گرفت. درباره این که بنابر قول شیخ مفید. تاریخ خارج شدن پیامبر(ص) پنج روز به جای مانده از ذی قعدة بوده، و در صحیحہ عمار و حلیی، چهار روز به جای مانده از آن، ذکر شده است، می توان اختلاف این دو قول را با توجه به ناقص یا کامل بودن ماه ذی قعدة برطرف کرد.

واقعة دوم: روز عرفه (در حجة الوداع)

تعیین روز عرفه که نهم ذی حجه است می تواند ما را در تشخیص دقیق تاریخ

وفات پیامبر(ص) کمک نماید، و این یکی از شاخصه‌های مهم این بحث به شمار می‌آید، چون نظر مشهور و معروف اهل سنت، بلکه اجماع آنان بر این است که عرفه، روز جمعه بوده است.^(۱۲) این امر ظاهراً به دلیل روایتی است که از خلیفه دوم، عمر، در این باره بیان شده است.^(۱۳)

پس با مبنا قرار دادن این امر، می‌توان جمیع اقوال اهل سنت را درباره تاریخ وفات پیامبر(ص)، مورد بررسی قرار داد. از طریق شیعه نیز روایاتی از امامان(ع) نقل شده است که عرفه را روز جمعه دانسته‌اند،^(۱۴) ولی هیچ یک از این روایات از لحاظ سند صحیح نیستند؛^(۱۵) افزون بر این، با روایات صحیح‌های که روز غدیر را مشخص می‌کنند، در تعارض می‌باشند، زیرا اگر عرفه، یعنی نهم ذی‌حجه، جمعه باشد، دیگر هیچ‌کدام ذی‌حجه، جمعه و یا پنج‌شنبه نخواهد بود.^(۱۶)

واقعه سوم: زمان نازل شدن آیه اکمال و فاصله آن تا وفات پیامبر(ص)

مشهور و معروف نزد اهل سنت درباره نزول آیه اکمال، این است که این آیه در روز عرفه که روز جمعه بوده نازل شده است^(۱۷) و فاصله آن تا وفات پیامبر(ص) ۸۱ روز است.^(۱۸) اما از دیدگاه شیعه، با توجه به روایاتی که در این زمینه وجود دارد،^(۱۹) در مجموع می‌توان گفت: این آیه و آیه تبلیغ، به‌تمامه یا جزء به جزء، در چندین مرتبه بر پیامبر(ص) نازل شده و پیامبر(ص) پس از نازل شدن قسمت آخر آیه، یعنی: «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»،^(۲۰) در غدیر خم مردم را جمع نمودند و رسالت الهی خویش را در معرفی حضرت علی(ع) به عنوان جانشین خود، انجام دادند.

از نظر شیعه، هیچ تردیدی در نزول آیه اکمال در غدیر نیست، ولی امکان نزول قبلی آن را نیز نفی نمی‌کنند. شیخ مفید در این باره می‌گوید:

«قبلاً در این باره بر پیامبر(ص) وحی نازل شده بود، ولی وقت ابلاغ آن معین

نگردید و هنگامی که به غدیر خم رسیدند، آیه تبلیغ نازل شد.»^(۲۱)

بنابراین، از نظر شیعه، مخالفتی در اصل نزول آیه اکمال در عرفه نیست، ولی بحث

در این است که از دیدگاه شیعه، عرفه نمی تواند در روز جمعه بوده باشد، زیرا با جمعه بودن غدیر سازگار نیست.

واقعه چهارم: روز غدیر خم

واقعه غدیر خم که به هنگام مراجعت پیامبر (ص) از حجة الوداع رخ داد، از دیدگاه شیعه از جمله مهم ترین مسائل تاریخ اسلام است، زیرا در آن واقعه، پیامبر اسلام (ص) از طرف خداوند مکلف شد تا علی (ع) را به جانشینی خود معرفی کند و پیامبر (ص) نیز دستور توقف در آن منطقه را داده و پس از خطبه ای طولانی فرمودند: «من كنتُ مولاهُ فعليُّ مولاهُ» یا «من كنت مولاه فهذا عليُّ مولاه». طرق نقل روایات این واقعه آن قدر زیاد است که می توان گفت فراتر از حد تواتر است.^(۲۲) با این وجود، اکثر کتب تاریخی اهل سنت (که ما از آن ها به عنوان منابع اصلی بهره می گیریم) با این که تمام جزئیات وقایع حجة الوداع را ذکر کرده اند،^(۲۳) ولی اشاره ای به این واقعه عظیم نکرده اند!

در این میان، تنها ابن کثیر در «البدایه و النهایه»^(۲۴) به بحث یک طرفه ای در این باره پرداخته است و بنا به نظر وی، واقعه غدیر خم، در ۱۸ ذی حجه و در روز یکشنبه بوده است، که ظاهراً وی روز یکشنبه را با توجه به محاسبه و قراردادن روز عرفه در جمعه، به دست آورده است.

درباره تعیین روز غدیر خم باید گفت: شکی نیست که واقعه غدیر خم در ۱۸ ذی حجه سال دهم هجری اتفاق افتاده است، ولی این که در چه روزی بوده، بنا به روایاتی که در این باره وجود دارد، از دو حال خارج نیست: یا پنجشنبه بوده است و یا جمعه؛ چنان که در روایتی که از ابوسعید خُدَری - به طرق مختلف - نقل شده است، روز پنجشنبه به عنوان روز واقعه غدیر خم معرفی گردیده است.^(۲۵) علامه امینی نیز در کتاب الغدیر، روز واقعه غدیر خم را پنجشنبه ذکر کرده است.^(۲۶) اما در صحیحۀ ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) نقل شده است که:

واقعه غدیرخم در ۱۸ ذی‌حجه که روز جمعه بوده، اتفاق افتاده است. متن آن حدیث چنین است: «و یوم غدیر افضل الاعیاد و هو الثامن عشر من ذی‌الحجه و کان یوم الجمعة»^(۲۷). بدیهی است روایت صحیحه، که واقعه غدیرخم را در روز جمعه می‌داند، به جهت رجحان سندی مقبول است. پس به نظر ما، روزی که واقعه غدیرخم در آن اتفاق افتاده روز جمعه بوده است.

واقعه پنجم: شروع بیماری پیامبر(ص) و مدت آن

«واقدی» در این باره دو روایت نقل کرده است،^(۲۸) که هر دو روایت، شروع بیماری پیامبر(ص) را روز چهارشنبه دانسته است، ولی در یک روایت، تاریخ شروع بیماری، «۱۹ صفر» و در دیگری، «آخر صفر» ذکر شده است، ولی مدت بیماری، در هر دو روایت ۱۳ روز ذکر شده است، که با این حساب، بر اساس روایت اول، وفات پیامبر(ص) در «دوم ربیع الاول» و بر اساس روایت دوم، «دوازدهم ربیع الاول» خواهد بود.

«سلیمان بن طرخان تمیمی» شروع بیماری را روز «شنبه، ۲۲ صفر» و وفات را در روز «دوشنبه ۲ ربیع الاول» دانسته است.^(۲۹) بنابراین، مدت بیماری پیامبر(ص) ده روز خواهد بود. بیهقی نیز مدت بیماری پیامبر(ص) را ده روز دانسته است.^(۳۰) در این باره روایات بسیاری موجود است که فقط به ذکر بیمار شدن پیامبر(ص) پرداخته‌اند، بدون این که متذکر زمان و مدت آن شده باشند. تنها بعضی از این روایات ذکر می‌کنند که که بیماری پیامبر(ص)، پس از استغفار برای اهل بقیع و مراجعت به منزل شروع شده است.^(۳۱)

واقعه ششم: روز وفات پیامبر(ص)

اساسی‌ترین مطلب که مورد اتفاق شیعه و سنی است، این است که وفات پیامبر(ص) در روز «دوشنبه» بوده است. این موضوع یقینی‌ترین امر در تشخیص تاریخ وفات پیامبر(ص) است. پس بر این اصل تکیه می‌شود، و هر روایت و قولی که

نتیجه‌اش غیر از وفات در روز دوشنبه باشد، به کلی مردود خواهد بود. ما در اثبات این امر که وفات پیامبر (ص) روز دوشنبه بوده است، به چند نمونه از اقوال اشاره می‌کنیم: طبری در این باره می‌گوید:

«فلا خلاف بین اهل العلم بالاخبار فيه انه كان يوم الإثنين من شهر ربيع الأول»^(۳۲).

ابن سعد در «الطبقات الكبرى»^{۳۳} نه روایت در این باره نقل کرده است که همگی وفات را روز دوشنبه ذکر کرده‌اند. ابن اسحاق نیز وفات پیامبر (ص) را روز دوشنبه دانسته است.^(۳۴) هم‌چنین، یعقوبی^(۳۵) و شیخ مفید^(۳۶) نیز وفات پیامبر (ص) را روز دوشنبه ذکر کرده‌اند. در مجموع هیچ تردیدی در این‌که وفات پیامبر (ص) روز دوشنبه بوده است، وجود ندارد.

فصل دوم

بررسی اقوال اهل سنت، با توجه به مسلمات و مشهورات آنها

پس از آن‌که در تاریخ وقوع این حوادث تأمل نمودیم، اکنون براساس مسلمات یا مشهورات هر یک از اهل سنت و شیعه، اقوال آنان را بررسی خواهیم کرد: آن‌چه از مجموع بحث‌های گذشته به دست آمده است، این است که مسلمات یا مشهورات اهل سنت بدین قرار است:

- ۱- وفات پیامبر (ص) روز دوشنبه بوده است؛
- ۲- عرفه روز جمعه بوده است؛
- ۳- خارج شدن پیامبر (ص) برای حجة الوداع روز دوشنبه، پنج روز به جای مانده از ذی‌قعدة بوده است؛
- ۴- نازل شدن آیه اکمال در روز عرفه، و فاصله آن تا وفات پیامبر ۸۱ روز بوده است؛
- ۵- مدّت بیماری پیامبر (ص) ۱۰ یا ۱۳ روز بوده است.

با توجه به مطالب فوق، به بررسی اقوال اهل سنت در این باره می پردازیم:

قول اول: وفات پیامبر(ص) ۱۲ ربیع الاول است.

مشهور و معروف نزد اهل سنت این است که تاریخ وفات پیامبر(ص) «۱۲ ربیع الاول» است. بسیاری از بزرگان و مورخان، از جمله ابن اسحاق،^(۳۷) و اقدی،^(۳۸) ابن خیاط،^(۳۹) مسعودی^(۴۰) و دیگران این قول را اختیار کرده اند. ابن کثیر^(۴۱) نیز تصریح می کند که این قول، مشهور بین همه اقوال است. از عالمان شیعه نیز کلینی^(۴۲) و محمدبن جریربن رستم طبری^(۴۳) - که معاصر کلینی بود - این قول را اختیار کرده اند.

در ارزیابی این قول می گوئیم: با توجه به امور مسلم و مشهور اهل سنت، تنها در صورتی این قول ممکن می شود که اولاً: تمام ماه های ذی قعدة، ذی حجه، محرم و صفر کامل (سی روز) باشند، (به جدول شماره ۱ نگاه کنید) که این امر، بسیار بعید و بلکه ممتنع است. ثانیاً: با این فرض هم مطلب درست نمی شود، زیرا باز هم وفات در روز دوشنبه قرار نمی گیرد، و تنها راهی که می شود فرض کرد تا این مطلب درست شود، همانا اختلاف رؤیت هلال مکه و مدینه است؛ یعنی اهل مدینه یک روز دیرتر از اهل مکه، هلال ماه ذی حجه را دیده اند و بنابراین، روز جمعه که ۹ ذی حجه در مکه بوده است، در مدینه برابر با ۸ ذی حجه است. اما اختلاف رؤیت هلال بین مکه و مدینه که فاصله آن ها کمتر از یک درجه است، واقعاً غیر علمی و غیر عرفی است. در مجموع، این قول سه محذور دارد: یکی، کامل بودن چهار ماه متوالی؛ دیگری، اختلاف رؤیت هلال بین مکه و مدینه، که همین دو امر نشانگر مردود بودن این قول است، و محذور سوم این که طبق این قول فاصله بین نزول آیه اکمال در عرفه تا وفات پیامبر(ص) دیگر ۸۱ روز نخواهد بود، بلکه ۹۲ روز می شود.

با این بررسی، مشخص می شود که قول مشهور اهل سنت که «۱۲ ربیع الاول» را تاریخ وفات پیامبر(ص) می داند، هیچ پایه و اساسی ندارد، زیرا به هیچ وجه با دیگر

مسلمات و مشهورات نزد آنان سازگار نیست.

جدول شماره (۱)

ربیع الاول		صفر				محرم				ذی حجه				ذی قعدة	ایام هفته	
۱۰	۳	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۵	شنبه
۱۱	۴	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۶	یکشنبه
۱۲	۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۷	دوشنبه
	۶	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۸	سه‌شنبه
	۷	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۹	چهارشنبه
	۸	۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۳۰	پنج‌شنبه
	۹	۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	جمعه

قول دوم: وفات پیامبر دوم ربیع الاول است.

تعداد زیادی از عالمان، قائل به وفات پیامبر (ص) در دوم ربیع الاول هستند. از جمله آنان، سلیمان بن طرخان تمیمی،^(۴۴) و اقدی به نقل از ابومعشر،^(۴۵) و یعقوبی^(۴۶) می‌باشند. سُهیلی در «الروض الأُنْف»^(۴۷) این قول را بر قول ۱۲ ربیع الاول ترجیح داده است. این قول همان است که در روایت ابومخنف نیز بیان شده است و ما در ادامه بحث با توجه به مسلمات شیعه آن را به تفصیل بررسی خواهیم کرد، ولی اکنون قصد داریم با توجه به مسلمات و مشهورات اهل سنت آن را مورد بررسی قرار دهیم.

با توجه به مبنای اهل سنت، در صورتی این قول موجب می‌گردد که تمامی ماه‌های چهارگانه، یعنی: ذی قعدة، ذی حجه، محرم و صفر، همگی ناقص باشند. (به جدول شماره ۲ نگاه کنید).

گرچه این قول، محذورات قول ۱۲ ربیع الاول را ندارد، ولی مشکل دیگری دارد و آن ناقص بودن چهار ماه متوالی است که این امر نیز بعید، بلکه ممتنع است. پس این قول نیز بنابر مبنای اهل سنت، قابل قبول نیست.

جدول شماره (۲)

ربیع الاوّل		صفر					محرم					ذی حجه				ذی قعده	ایام هفته
۷		۲۹	۲۳	۱۵	۸	۱	۲۳	۱۶	۹	۲		۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۵	شنبه
۸	۱		۲۳	۱۶	۹	۲	۲۴	۱۷	۱۰	۳		۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۶	یکشنبه
۹	۲		۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۵	۱۸	۱۱	۴		۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۷	دوشنبه
۱۰	۳		۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۶	۱۹	۱۲	۵		۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۸	سه‌شنبه
۱۱	۴		۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۷	۲۰	۱۳	۶		۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۹	چهارشنبه
۱۲	۵		۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۸	۲۱	۱۴	۷		۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	پنج‌شنبه
	۶		۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱		۲۳	۱۶	۹	۲	جمعه

قول سوم: وفات پیامبر اول ربیع‌الاول است.

بعضی دیگر از عالمان، اول ربیع‌الاول را روز وفات پیامبر(ص) ذکر کرده‌اند که از جمله آنان، عروّ بن زُبَیر^(۴۸) و محمد بن شهاب زُهَری^(۴۹) می‌باشند. سُهیلی در «الروض الأَنْف»^(۵۰) این قول را نسبت به روایت سابق، اقرب دانسته است. این قول بنا بر مبنای اهل سنت قابل قبول تر است، زیرا در این فرض، ماه ذی قعده ناقص، ماه ذی حجه کامل و ماه‌های محرم و صفر نیز ناقص خواهند بود، که از این جهت هیچ مشکلی ندارد. هم‌چنین، عرفه در روز جمعه، و وفات پیامبر(ص) در روز دوشنبه خواهد بود، و فاصله بین نزول آیه اکمال در عرفه تا وفات پیامبر(ص) - با احتساب روز عرفه و وفات - ۸۱ روز خواهد بود. (به جدول شماره ۳ مراجعه کنید).

جدول شماره (۳)

ربیع الاوّل		صفر					محرم					ذی حجه				ذی قعدة	ایام هفته
۶		۲۸	۲۱	۱۴	۷		۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۵	شنبه
۷		۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱		۲۳	۱۶	۹	۲	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۶	یکشنبه
۸	①		۲۳	۱۶	۹	۲		۲۴	۱۷	۱۰	۳	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۷	دوشنبه
۹	۲		۲۴	۱۷	۱۰	۴		۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۸	سه‌شنبه
۱۰	۳		۲۵	۱۸	۱۱	۴		۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۹	چهارشنبه
۱۱	۴		۲۶	۱۹	۱۲	۵		۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	پنج‌شنبه
۱۲	۵		۲۷	۲۰	۱۳	۶		۲۸	۲۱	۱۴	۷	۳۰	۲۳	۱۶	②	۲	جمعه

توجه به دو نکته:

- با نگاهی به جدول‌های سه‌گانه، درمی‌یابیم که در این سه فرض، روز غدیرخیم (۱۸ ذی حجه) هرگز در روز «جمعه» واقع نمی‌شود.
- از آن‌جا که در میان اهل سنت اتفاق نظر است که وفات پیامبر (ص) در ربیع‌الاول بوده است^(۵۱) و هیچ‌قائلی یافت نشده که ۲۸ صفر را، که قول مشهور نزد شیعه است، اختیار کند، بدین سبب، ما این قول را با مبنای اهل سنت مورد سنجش قرار نداده‌ایم و در فصل بعد آن را با مبنای شیعه بررسی خواهیم کرد. اگر چه با توجیهاتی که برای قول مشهور اهل سنت - یعنی ۱۲ ربیع‌الاول - انجام شد، ۲۸ صفر نیز در روز دوشنبه قرار می‌گیرد. (به جدول شماره ۱ مراجعه کنید).

فصل سوم

بررسی اقوام شیعه، با توجه به مسلمات و مشهورات آنها

پس از بررسی اقوال گوناگون بنابر مبنای اهل سنت، اکنون می‌خواهیم با در نظر گرفتن مسلمات و مشهورات شیعه، این اقوال را مورد بررسی قرار دهیم.

مسلمات و مشهورات شیعه بدین قرار است:

- ۱- وفات پیامبر(ص) روز دوشنبه بوده است؛
- ۲- واقعه غدیر خم روز جمعه، یا پنجشنبه بوده است؛
- ۳- خارج شدن پیامبر برای حجةالوداع چهار یا پنج روز باقی مانده از ذی قعدة بوده است.

اکنون با در نظر گرفتن این مبنا، اقوال مختلف را مورد سنجش قرار می دهیم.

قول اول: وفات پیامبر ۲۸ صفر است.

نظریه مشهور و معروف نزد شیعه این است که وفات پیامبر(ص) در ۲۸ صفر اتفاق افتاده است. بسیاری از بزرگان شیعه از جمله شیخ مفید^(۵۲) و شیخ طوسی^(۵۳) قائل به این قول هستند و می توان گفت که پس از آن دو بزرگوار عموم عالمان شیعه با تبعیت از آنان، این نظریه را اختیار کرده اند؛ درحالی که معلوم نیست مستند شیخ مفید و شیخ طوسی در انتخاب این نظریه چه بوده است؛ زیرا در اثبات این نظریه هیچ روایتی ولو ضعیف هم یافت نشده است!^(۵۴) بلکه روایات صحیحه، که به زودی به آن اشاره خواهد شد، برخلاف آن است.

اگرچه این نظریه، مشهور و معروف نزد شیعه است، ولی این شهرت مربوط به زمان بعد از شیخ مفید و طوسی است و قبل از آن دو بزرگوار، نه تنها کسی به آن تصریح نکرده است،^(۵۵) بلکه «حسن بن موسی نوبختی» که از بزرگان قدمای شیعه است، وفات پیامبر(ص) را در ماه ربیع الاول ذکر کرده است،^(۵۶) بدون این که روز آن را تعیین کند؛ پس نمی توان به این شهرت استدلال کرد. پیش از این نیز اشاره کردیم که از عالمان شیعه، کلینی و محمد بن جریر بن رستم طبری، روز وفات پیامبر(ص) را دوازدهم ربیع الاول دانسته اند.

مهم تر از همه این که: این قول، هیچ سازگاری با مبنای شیعه ندارد، زیرا روز غدیر خم، یعنی هیجدهم ذی حجه را، چه جمعه بدانیم یا پنجشنبه، در هر دو صورت، ۲۸

صفر هرگز در روز «دوشنبه» واقع نمی‌شود، زیرا اگر روز غدیر خم جمعه باشد، با در نظر گرفتن ناقص یا کامل بودن ماه‌ها، ۲۸ صفر در روز چهارشنبه یا پنج‌شنبه یا جمعه واقع می‌شود^(۵۷) و اگر روز واقعه غدیر خم را «پنج‌شنبه» بدانیم، در این صورت ۲۸ صفر در روز سه‌شنبه یا چهارشنبه یا پنج‌شنبه قرار می‌گیرد و هرگز در روز «دوشنبه» واقع نخواهد شد.^(۵۸)

پس در مجموع، اگر چه قائلین این نظریه شیخ مفید و شیخ طوسی هستند، ولی چون این قول با مبنای شیعه سازگاری ندارد و دلیلی هم بر این قول نمی‌توان یافت، بلکه ادله بر خلاف آن است، ما از این قول صرف‌نظر می‌کنیم و آن را مردود می‌دانیم.^(۵۹)

قول دوم: وفات پیامبر دوم ربیع‌الاول است.

بنا به روایت ابومخنف، تاریخ وفات پیامبر (ص)، دوم ربیع‌الاول بوده است، و همان طور که قبلاً ذکر شد، عده زیادی از عالمان نیز این نظریه را پذیرفته‌اند. در تأیید این قول، روایات معتبری از اهل بیت (ع) نقل شده است؛ مانند روایتی که نصر بن علی الجهضمی از امام رضا (ع)، از پدرانش، از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده است که:

«پیامبر (ص) در ماه ربیع‌الاول، روز دوشنبه، دو شب از ربیع‌الاول گذشته بود،

وفات یافت»،^(۶۰) و روایتی که ابن خشاب از امام باقر (ع) نقل کرده است که: «...»

پیامبر (ص) در ماه ربیع‌الاول، روز دوشنبه، دو شب از ربیع‌الاول گذشته وفات

یافت». ^(۶۱)

شیخ عباس قمی نیز به نقل از «کشف الغمه» از امام باقر (ع) روایتی نقل می‌کند که روز وفات پیامبر (ص) دوم ربیع‌الاول است. اما وی پس از نقل این روایت، به دلیل موافق بودن آن با نظر اهل سنت، آن را حمل بر تقیّه می‌کند.^(۶۲) ولی به نظر ما، نمی‌توان این روایت را حمل بر تقیّه کرد، زیرا همان طور که قبلاً ذکر کردیم، نظریه مشهور و معروف اهل سنت درباره وفات پیامبر (ص)، دوازدهم ربیع‌الاول است، نه

دوم ربیع الاول؛ بنابراین، نمی توان و جهی برای حمل آن بر تقیه یافت. پس روایت ابومخنف هم از جهت اقوال و هم از جهت روایات، دارای مؤیدات محکمی است. اما آن چه مهم است آن است که: آیا این قول، با مسلمات و مشهورات شیعه سازگاری دارد یا خیر؟

در پاسخ به این پرشش باید گفت: نه تنها روایت ابومخنف با مسلمات و مشهورات شیعه سازگاری دارد، بلکه یگانه طریق جمع بین این مسلمات و مشهورات به حساب می آید، زیرا اگر روز واقعه غدیر خم را «جمعه» بدانیم (که البته روایت صحیح مؤید آن است و ما نیز همین نظریه را ترجیح دادیم)، به روشنی درمی یابیم که با بهترین فرض، دوم ربیع الاول در روز «دوشنبه» واقع می شود و هیچ محذور و مشکلی ندارد. (به جدول شماره ۴ نگاه کنید)

جدول شماره (۴)

ایام هفته	ذی قعدة	ذی حجه	محرم	صفر	ربیع الاول
شنبه	۲۷	۲۰	۲۴	۱۷	۱۰
یکشنبه	۲۸	۲۱	۲۵	۱۸	۱۱
دوشنبه	۲۹	۲۲	۲۶	۱۹	۱۲
سه شنبه	۳۰	۲۳	۲۷	۲۰	۱۳
چهارشنبه	۱	۲۴	۲۸	۲۱	۱۴
پنجشنبه	۲	۲۵	۲۹	۲۲	۱۵
جمعه	۳	۲۶	۳۰	۲۳	۱۶

با نگاهی به جدول، درمی یابیم که: خارج شدن پیامبر(ص) از مدینه برای حجة الوداع، روز پنجشنبه، ۲۵ ذی قعدة خواهد بود که در این صورت با بعضی از روایات اهل سنت مانند روایت انس^(۶۳) که روز خارج شدن پیامبر(ص) راروزی غیر از جمعه دانسته اند نیز موافق است. هم چنین، با قول بعضی، مانند ابن حزم، که روز

خارج شدن پیامبر (ص) را به طور مشخص روز پنج‌شنبه دانسته‌اند^(۶۴) موافق است. و نیز روز عرفه در چهارشنبه خواهد بود، که از این جهت مخالفتی با مبنای شیعه ندارد، ولی با مبنای اهل سنت سازگار نیست. ضمن این‌که، روز ۱۸ ذی‌حجه که روز غدیرخیم است، در جمعه واقع می‌شود، و روز وفات پیامبر (ص) «دوشنبه، دوم ربیع‌الاول» خواهد بود. این فرض از جهت ناقص و کامل بودن ماه، هیچ محذور و مشکلی ندارد، زیرا هم می‌شود یک ماه را ناقص و ماه دیگر را کامل فرض کرد، و هم می‌شود دو ماه متوالی را ناقص و دو ماه دیگر را کامل دانست، که در هر صورت، دوم ربیع‌الاول در روز دوشنبه قرار می‌گیرد. هم‌چنین، اگر زمان نازل شدن آیه اکمال را در روز عرفه بدانیم، دقیقاً فاصله بین آن تا وفات پیامبر ۸۱ روز خواهد شد، (بدون محاسبه روزهای وفات و عرفه). و اگر روز وفات را محاسبه کنیم، ۸۲ روز می‌شود، که با روایتی که فخر رازی آن را نقل کرده است تطبیق می‌کند.^(۶۵) ولی اگر زمان نازل شدن آیه اکمال را روز غدیرخیم بدانیم، فاصله آن تا وفات پیامبر (ص) ۷۲ روز خواهد بود، (بدون محاسبه روز وفات و روز غدیر).

اما اکنون اگر «پنج‌شنبه» را روز واقعه غدیرخیم بدانیم، در صورتی دوم ربیع‌الاول در روز دوشنبه واقع می‌شود که تمام ماه‌های ذی‌حجه، محرم و صفر کامل باشند؛ (به جدول شماره ۵ نگاه کنید) که این امر، به دلیل محذوری که دارد، می‌تواند یکی از علل ترجیح داشتن روز جمعه بر پنج‌شنبه، برای واقعه غدیرخیم باشد.

جدول شماره (۵)

ایام هفته	ذی قعده	ذی حجه	محرم	صفر	ربیع الاول
شنبه	۲۸ ۲۱	۲۷ ۲۰ ۱۳ ۶	۲۵ ۱۸ ۱۱ ۴	۲۳ ۱۶ ۹ ۲	۷ ۳۰
یکشنبه	۲۹ ۲۲	۲۸ ۲۱ ۱۴ ۷	۲۶ ۱۹ ۱۲ ۵	۲۴ ۱۷ ۱۰ ۳	۸ ۱
دوشنبه	۲۳	۲۹ ۲۲ ۱۵ ۸ ۱	۲۷ ۲۰ ۱۳ ۶	۲۵ ۱۸ ۱۱ ۴	۹ ۲
سه شنبه	۲۴	۳۰ ۲۳ ۱۶ ۹ ۲	۲۸ ۲۱ ۱۴ ۷	۲۶ ۱۹ ۱۲ ۵	۱۰ ۳
چهارشنبه	۲۵	۲۴ ۱۷ ۱۰ ۳	۲۹ ۲۲ ۱۵ ۸ ۱	۲۷ ۲۰ ۱۳ ۶	۱۱ ۴
پنجشنبه	۲۶	۲۵ ۱۸ ۱۱ ۴	۳۰ ۲۳ ۱۶ ۹ ۲	۲۸ ۲۱ ۱۴ ۷	۱۲ ۵
جمعه	۲۷	۲۶ ۱۹ ۱۲ ۵	۲۴ ۱۷ ۱۰ ۳	۲۹ ۲۲ ۱۵ ۸ ۱	۱۳ ۶

در پایان، تذکر این نکته را لازم می دانم که بنا بر مبنای شیعه، ۱۲ ربیع الاول هرگز در روز «دوشنبه» واقع نمی شود. هم چنین اول ربیع الاول، با فرض جمعه بودن روز غدیر، تنها در صورت کامل بودن سه ماه ذی حجه، محرم و صفر، در روز دوشنبه قرار می گیرد. ولی با فرض پنجشنبه بودن روز غدیر، هرگز اول ربیع الاول در روز دوشنبه واقع نمی شود. (در جدولها دقت شود).

از مجموع بحث های گذشته، این نتیجه به دست می آید که تاریخ وفات پیامبر(ص) دوم ربیع الاول است و سایر اقوال با مشکلات و محذورات جدی روبرو می باشند.

پی نوشت‌ها:

۱. محمدبن جریر طبری، **تاریخ الطبری**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم (چاپ دوم: بیروت، ۱۳۸۷هـ) ج ۳، ص ۲۰۰.
۲. مائده، آیه ۳.
۳. الواقدی، **المغازی للواقدی**، تحقیق مارسدن جونس (چاپ دوم: بیروت، نوشته الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹هـ) ص ۱۰۸۸؛ ابن سعد، **الطبقات الكبرى** (بیروت، دار بیروت، ۱۴۰۵هـ) ج ۲، ص ۱۷۳؛ ابن هشام، **السیرة النبویه**، تحقیق مصطفی السقا - ابراهیم الایاری - عبدالحفیظ شلبی (قم، انتشارات ایران، ۱۳۶۳هـ) ج ۴، ص ۲۴۸؛ محمدبن جریر طبری، همان، ص ۱۴۸؛ ابن کثیر، **البدایة و النهایة**، تحقیق محنت تحقیق التراث (چاپ اول: بیروت، مؤسسه تاریخ العربی - داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲هـ) ج ۵، ص ۱۲۷؛ ابن الجوزی، **المنتظم**، تحقیق عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا (چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲هـ) ج ۴، ص ۵؛ ابن اثیر، **الکامل فی التاریخ**، تحقیق مکتب التراث (چاپ چهارم: بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۱۴هـ) ج ۱، ص ۶۵۱.
۴. ابن کثیر، همان، ص ۱۲۸، به نقل از ابن حزم.
۵. الواقدی، همان، ص ۱۰۸۹؛ (این مطلب نزد ما روشن است).
۶. همان.
۷. شیخ مفید، **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، تحقیق مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث (قم، چاپ مهر، ۱۴۱۳هـ) ج ۱، ص ۱۷۱.
۸. محمدبن یعقوب کلینی، **الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری (بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵هـ) ج ۴، ص ۲۴۵ و ۲۴۸.
۹. البخاری، **صحیح البخاری**، بحاشیه الامام السنندی (چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹هـ) ج ۱، ص ۲۵۰.
۱۰. این بحث به زودی خواهد آمد.
۱۱. ابن کثیر، همان، ص ۱۲۹.
۱۲. البخاری، همان، ص ۲۸؛ محمدبن جریر طبری، **تفسیر الطبری** (جامع البیان)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵هـ) ج ۴، جزء ۶، ص ۱۰۵، ۱۰۸ و ۱۱۰ و فخر رازی، **التفسیر الکبیر**، (چاپ اول: بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۹۵م) ج ۴،

ص ۲۸۶.

۱۳. همان و ابن کثیر، همان، ص ۱۲۹ و ۱۹۵.

۱۴. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ص ۲۹۰ و محمد بن مسعود بن عیاش، *تفسیر العیاشی*، تحقیق

سید محمد هاشم رسولی محلاتی (بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۱م)، ج ۱ ص ۳۲۲.

۱۵. محمد جواد شبیری زنجانی، *تراثنا*، سال پنجم، شماره ۲۱، ص ۴۲.

۱۶. برای تطبیق این مطلب، به جداول ۱، ۲ و ۳ مراجعه شود.

۱۷. البخاری، همان، ص ۲۸؛ محمد بن جریر طبری، همان؛ ابن کثیر، همان و فخر رازی، همان.

۱۸. محمد بن جریر طبری، همان، ص ۱۰۶.

۱۹. علامه مجلسی، *بحار الانوار* (چاپ سوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی - مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳هـ) ج ۳۷، ص

۱۶۵؛ محمد بن محمد الشعیری، *جامع الاخبار* (نجف، منشورات المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵هـ) ص ۱۰ و محمد بن

مسعود بن عیاش، همان، ص ۳۶۰.

۲۰. مائده، آیه ۶۷.

۲۱. شیخ مفید، همان، ص ۱۷۵.

۲۲. جمیع طریق نقل این روایت در جلد اول کتاب *الغدیر* علامه امینی به طور مفصل ذکر شده است.

۲۳. ابن هشام، همان و محمد بن جریر طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۱۴۸.

۲۴. ابن کثیر، همان، ص ۲۲۷.

۲۵. علامه مجلسی، همان، ص ۱۹۵.

۲۶. علامه امینی، *الغدیر* (چاپ دوم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶هـ) ج ۱، ص ۱۰.

۲۷. علامه مجلسی، همان، ج ۹۵، ص ۲۷ و ج ۹۷، ص ۱۱۰.

۲۸. ابن سعد، همان، ص ۲۷۲.

۲۹. احمد بن الحسن البیهقی، *دلائل النبوة*، تحقیق عبدالمعطی قلعجی (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵هـ) ج ۷،

ص ۲۳۴ و ابن کثیر، همان، ص ۲۷۵.

۳۰. احمد بن الحسن البیهقی، همان.

۳۱. ابن هشام، همان، ص ۲۹۲ و بلاذری، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی (بیروت، دارالفکر،

۱۴۱۷هـ) ج ۲، ص ۷۱۵.

۳۲. محمدبن جریر طبری، همان، ص ۱۹۹؛ (یعنی: هیچ اختلافی میان اهل علم نیست که وفات پیامبر(ص) روز دوشنبه و در ماه ربیع الاول بوده است).

۳۳. ابن سعد، همان، ص ۲۷۳.

۳۴. ابن هشام، همان، ص ۳۰۳.

۳۵. احمدبن ابی یعقوب بن واضح، *تاریخ الیعقوبی* (قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۴هـ) ج ۲، ص ۱۱۳.

۳۶. شیخ مفید، همان، ص ۱۸۹.

۳۷. ابن کثیر، همان، ص ۲۷۶ و احمدبن الحسن البیهقی، همان، ص ۲۳۵.

۳۸. واقدی، همان، ص ۱۰۸۹ و ابن سعد، همان، ص ۲۷۲.

۳۹. خلیفه بن خیاط، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق سهیل زکار (بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴هـ) ص ۵۸.

۴۰. مسعودی، *مروج الذهب*، تحقیق یوسف اسعد داغر (بیروت، دارالاندلس، ۱۳۵۸هـ) ج ۲، ص ۲۸۰.

۴۱. ابن کثیر، همان.

۴۲. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ص ۴۳۹.

۴۳. رستم طبری، *المسترشد*، ص ۱۱۵.

۴۴. احمدبن الحسن البیهقی، همان، ص ۲۳۴.

۴۵. ابن سعد، همان و بلاذری، همان، ص ۷۴۶.

۴۶. احمدبن ابی یعقوب بن واضح، همان.

۴۷. عبدالرحمن السهیلی، *الروض الانف*، تحقیق عبدالرحمن الوکیل (بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲هـ) ج

۷، ص ۵۷۹.

۴۸. ابن کثیر، همان.

۴۹. همان.

۵۰. عبدالرحمن السهیلی، همان.

۵۱. محمدبن جریر طبری، همان.

۵۲. شیخ مفید، همان، ص ۱۸۹.

۵۳. محمد بن الحسن الطوسی، **تهذیب الاحکام** (بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲هـ)، جزء ۶، ص ۵.
۵۴. محمد جواد شبیری زنجانی، همان، ص ۴۳.
۵۵. همان به نقل از محقق تستری.
۵۶. موسی النوبختی، **فرق الشیعه**، تحقیق محمد صادق آل بحر العلوم (نجف، مکتبه المرتضویه المرتضویه الحیدریه، ۱۳۵۵هـ) ص ۲.
۵۷. برای تطبیق، به جدول شماره (۴) مراجعه شود.
۵۸. برای تطبیق، به جدول شماره (۵) مراجعه شود.
۵۹. ممکن است شیخ مفید روایاتی در اختیار داشته که ما اکنون آن‌ها را در اختیار نداریم، ولی این یک احتمال است و نمی‌توان صرفاً به خاطر این احتمال، قول وی را پذیرفت. البته اگر ادله‌ای برخلاف قول او اقامه نمی‌شد، جای مطرح کردن این احتمال بود. اگر چه این احتمال نیز وجود دارد که در نسخه‌ی روایتی که در اختیار ایشان بوده، به جای «للبلتین مضتا من شهر ربیع الاول»، «للبلتین بقیا الی شهر ربیع الاول» ذکر شده باشد، که این احتمال به خاطر نزدیک بودن دو کلمه «مضتا» و «بقیا» موجه به نظر می‌رسد.
۶۰. **تاریخ اهل البیت**، تحقیق، محمد رضا حسن، (قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۰هـ) ص ۶۸.
۶۱. علی بن عیسی‌ الاربلی، **کشف الغمه فی معرفة الاثمه** (قم، نشر ادب الحوزه و کتابفروشی اسلامی، بی تا) ج ۱، ص ۱۸.
۶۲. شیخ عباسی قمی، **منتهی الامال** (ایران، انتشارات مهتاب، ۱۳۷۷ش) ج ۱، ص ۱۲۹.
۶۳. البخاری، همان، ص ۵۲۰.
۶۴. ابن حزم الاندلسی، **حجة الوداع**، تحقیق ابوصهبیب الکریمی (ریاض، بیت‌الفکار الدولیه للنشر، ۱۴۱۸هـ) ص ۲۳.
۶۵. فخر رازی، همان، ص ۲۸۸.

منابع:

- الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر، **تاریخ الطبری**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، چاپ دوم ۱۳۸۷هـ
- الواقدی، المغازی، تحقیق مارسدن جونس مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت چاپ دوم ۱۴۰۹هـ
- ابن سعد، **الطبقات الکبری**، دار بیروت ۱۴۰۵هـ.

- ابن هشام، **السيرة النبوية**، تحقيق مصطفى السقا - ابراهيم اليايى - عبدالحفيظ شلبى، افست مصر انتشارات ايران چاپ مهر قم ۱۳۶۳ش.
- ابن كثير، **البدایة والنهایة**، تحقيق مكتب تحقيق التراث بيروت مؤسسة التاريخ العربى داراحياء التراث العربى چاپ اولى ۱۴۱۲هـ.
- ابن الجوزى، **المنتظم**، تحقيق عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلميه بيروت چاپ اول ۱۴۱۲هـ.
- ابن اثير، **الكامل فى التاريخ**، تحقيق مكتب التراث، مؤسسة التاريخ العربى، بيروت، چاپ چهارم ۱۴۱۴هـ.
- شيخ مفيد، **الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد**، تحقيق مؤسس آل البيت لاحياء التراث چاپ مهر قم ۱۴۱۳هـ.
- الكلينى، محمد بن يعقوب، **الكافى**، تحقيق على اكبر الغفازى دارالاضواء بيروت ۱۴۰۵هـ.
- البخارى، **صحيح البخارى**، بحاشية الامام السندى، دارالكتب العلميه، بيروت ۱۴۱۹ چاپ اول.
- الطبرى، محمد بن جرير، **تفسير الطبرى (جامع البيان)**، دارالفكر بيروت ۱۴۱۵هـ.
- فخررازى، **التفسير الكبير**، مكتب تحقيق داراحياء التراث العربى بيروت چاپ اول ۱۹۹۵م.
- عياش، محمد بن مسعود بن، **تفسير العياشى**، بيروت مؤسسة الاعلمى للمطبوعات تحقيق سيد محمد هاشم رسولى محلاتى ۱۹۹۱م.
- علامه مجلسى، **بحار الانوار**، بيروت داراحياء التراث العربى مؤسسة الوفاء چاپ سوم ۱۴۰۳هـ.
- الشعيرى، محمد بن محمد، **جامع الاخبار**، منشورات المكتبة الحيدريه النجف ۱۳۸۵هـ.
- علامه امينى، **الغدیر**، دارالكتب الاسلاميه، تهران چاپ دوم ۱۳۶۶ش.
- البيهقى، احمد بن الحسن، **دلائل النبوة**، تحقيق عبدالمعطى قلعجى بيروت دارالكتب العلميه ۱۴۰۵هـ.
- بلاذرى، **انساب الاشراف**، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، دارالفكر بيروت ۱۴۱۷هـ.
- احمد بن ابى يعقوب ابن واضح، **تاريخ اليعقوبى**، منشورات الشريف الرضى، امير قم، ۱۴۱۴هـ.
- خليفة بن خياط، **تاريخ خليفة بن خياط**، تحقيق سهيل زكار، بيروت دارالفكر ۱۴۱۴هـ.
- مسعودى، **مروج الذهب**، تحقيق يوسف اسعد داغر، دارالاندلس بيروت ۱۳۵۸هـ.
- رستم طبرى، **المستمر شد**، ص ۱۱۵.
- السهيلي، عبدالرحمن، **الروض الانف**، تحقيق عبدالرحمن الوكيل بيروت داراحياء التراث العربى ۱۴۱۲هـ.

- الطوسي، محمد بن الحسن، **تهذيب الاحكام في نشر المقتنعه**، تحقيق محمد جعفر شمس الدين دارالتعارف للمطبوعات ١٤١٢هـ.

- النوبختي، موسى، **فرق الشيعة**، تحقيق محمد صادق آل بحر العلوم، نجف مكتبة المرتضوية الحيدريه ١٣٥٥هـ.

- **تاريخ اهل البيت**، تحقيق محمدرضا حسيني، مؤسسة آل البيت لحياء التراث قم ١٤١٠هـ.

- الاربلي، علي بن عيسى، **كشف الغمّة في معرفة الاثمه**، نشر ادب الحوزه وكتابخروشي اسلاميه قم، بي تا.

- قمي، شيخ عباسي، **منتهى الآمال**، انتشارات مهتاب ايران ١٣٧٧ش.

- الاندلسي، ابن حزم، **حجة الوداع**، تحقيق ابوصهيب الكرمي، بيت الافكار الدوليه للنشر، الرياض ١٤١٨هـ.